

همه ی اهل حرم می گویند

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

عطش و مشک و علم می گویند

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

برگردان مخالف:

ایها الناس ! ایها الناس!

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

در هوایی که پر از ابر غم است

دیده ها خیره به مشک و علم است

این زبانِ دل اهل حرم است

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

او به هر نقطه که نازل می گشت

آن حوالی همه ساحل می گشت

صبر و آرامش هر دل می گشت

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

چشم گریان شده این را می گفت

اشک پنهان شده این را می گفت

تن بی جان شده این را می گفت

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

مشک می گفت به مهتاب فرات

لحظه ی پر شدن از آبِ فرات

با تو بیدار شده خوابِ فرات

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

شد رها روحِ مسیحا نفسی

از حصارِ بدنِ چون قفسی

دور از این حادثه می گفت کسی

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

کربلا شد هدف تیرِ غمش

قامتی خم شده تأثیرِ غمش

کودکانند همه پیرِ غمش

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

مثل باران همه را سقا شد

سایبانِ همه ی صحرا شد

تشنه لب بود ولی دریا شد

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

گل ، ولی خار ندارد عباس

جز غمِ یار ندارد عباس

مثل و تکرار ندارد عباس

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس

کرده محکم همه ی سنگرها

و شکوفا همه ی باورها

این شده زمزمه ی خواهرها

برادر یعنی عباس برادر یعنی عباس